

شنبه 5 فروردین 1396 - 26 جمادی الثانی 1438 - 25 مارس 2017

تولد (امیر خسرو دهلوی) شاعر پارسی‌گو (631 ش)...

**تولد (امیر خسرو دهلوی) شاعر پارسی‌گو (631 ش)**

امیر خسرو دهلوی شاعر پرآوازه پارسی‌گوی هندی، در سال 651 ق در شمال غربی هند به دنیا آمد و از جوانی، استعداد خود را در زمینه شعر نشان داد. امیر خسرو علاوه بر تسلط بر ادبیات و موسیقی ایرانی و هندی، با زبان‌های عربی و ترکی نیز آشنا بود. اطلاعات وسیع و مهارت او باعث شد تا در زمره پرکارترین شاعران ادب پارسی به شمار آید. از امیر خسرو دهلوی، آثار متعددی به یادگار مانده که هشت مثنوی و پنج دفتر شعر از آن جمله است. دهلوی در این مثنوی‌ها، شدیداً تحت تأثیر نظامی، شاعر شهیر ایرانی بوده است. وی به حق، بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند و صاحب قریحه و اشعار بسیار است.

آغاز تخلیه ایران از قوای اشغالگر روس (1325 ش)

در جریان جنگ جهانی دوم، ایران توسط متفقین اشغال شده و پس از اتمام جنگ، هنوز این نیروها در کشور حضور داشتند. پس از مدتی، توافق شد که این نیروها از ایران خارج شده و کشور را تخلیه نمایند. اما شوروی علی‌رغم امضای توافقنامه، مایل به خروج نبود. بنابراین دولت ایران شکایتی را تسلیم سازمان ملل کرد و خواستار تخلیه ایران از قوای متجاوز روس گردید. سرانجام این نیروها از اوایل سال 1325 ش، راهی کشور خود شده و ایران را تخلیه نمودند.

شهادت حضرت امام علی النقی (ع) به روایتی (254 ق)

امام هادی (ع) که در زمره امامان شیعه و از خاندان رسالت است، نیز از ویژگی‌های دانشی گسترده و جامع برخوردار است، طوری که سمبل‌های دانش و فرهنگ وی، عقول را حیران و اندیشه‌ها را به اعجاب واداشته است. امام دهم همچون پدران و اجداد بزرگوار خود در علم و دانش سرآمد روزگار بود. درخشش او در مدت حیاتش احترامی شگفت در قلوب همگان ایجاد کرده بود. نامه آن حضرت در رد پیروان معتقد به تفویض و جبریون و اثبات عدل و حد مابین جبر و تفویض، از فرازهای شگفت آور دوره امامت، امام هادی محسوب می‌شود و بسیار مورد تعمق و توجه می‌باشد. امام هادی (ع) در این نامه، نظریه پیروان هر دو عقیده را با منطقی‌ترین اصول مردود اعلام کرده و اسراری از علوم و حقایق آن را پاسخ فرموده است. با توجه به اینکه خداوند دارای عدل و انصاف و حکمت بالغه است، پس اوست که می‌تواند هرکس را بخواهد از میان بندگان خود برای ارسال پیامش و تبلیغ رسالتش و اتمام حجت بر بنده هایش برگزیند. گوشه‌ای دیگر از دریای بیکران دانش امام هادی (ع) در تاریخ خطیب بغدادی تجلی دارد. او به شهادت خود دانش امام را متذکر شده و در مقام اثبات آن می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم در مجلس واثق خلیفه عباسی که جمعی از علماء و فقها حضور داشتند، سؤال کرد که چه کسی سر حضرت آدم (ع) را هنگامی که حج به جا آورد، تراشید؟ تمام حضار در پاسخ آن عاجز ماندند، واثق گفت: هم اکنون من کسی که جواب این سؤال را بدهد حاضر می‌کنم، سپس شخصی را بدنبال حضرت هادی (ع) فرستاد و وی را به دربار خلیفه دعوت کرد. امام نیز دعوت را پذیرفت و برای اظهار و بیان حقیقت به دربار واثق رفت. خلیفه پرسید: ای ابوالحسن به ما بگو چه کسی سر حضرت آدم را هنگام حج تراشید؟ امام فرمود: ای واثق ترا به خدا سوگند می‌دهم که ما را از بیان و جواب آن معاف کنی، خلیفه گفت: ترا سوگند می‌دهم که جواب را بفرمایی! امام فرمود: اکنون که قبول نمی‌کنی، پس می‌گویم. پدرم مرا از جدم خبر داد و جدم از جدش که رسول خدا باشد، اطلاع داد که فرمود: برای تراشیدن سر آدم جبرئیل مأمور شد یا قوتی از بهشت آورد و به سر آدم کشید تا موهای سرش بریزد. در مورد جاذبه اجتماعی و نفوذ سیاسی امام هادی (ع) فقط می‌توان همین را گفت که یکی از تجلیات و تشعشعات پرشکوه خداوند و تابش منبع فیاض نور حق در وجود امام هادی (ع) متجلی و منعکس شده و از وجود حضرت نیز مانند آینه‌ای که انوار گوناگون را در خود انعکاس می‌دهد، ساطع بوده است. کسی را در عصر پیشوای دهم، توان نگاهی ممتد و حتی لحظه‌ای کوتاه به چهره او نبود. به محض نظر به رخسار پرفروغش آثار ضعف و سستی و ترس بر قلب‌ها سایه می‌افکند. در کتاب‌های تاریخی آمده است که حضور امام در هر مجلسی مورد تجلیل و احترام عمیق بود و خواسته و ناخواسته اطرافیان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌داد و همنشینان وی همواره آرزوی مجالست و مراودت او را در سر داشتند. با آنکه متوکل بارها در صدد بود تا به بهانه قیام مسلحانه امام دهم را از میان بردارد، ولی هیچ‌گاه به این بهانه دست نیافت. با این حال، نتوانست حیات شریف آن حضرت را که مانع خودکامگی‌های او به عنوان محور تفکر اسلامی بود و همچون مرکزی که شیعیان بر گرد آن پروانه می‌چرخیدند، تحمل کند، لذا ایشان را به شهادت رساند. امام دهم در حالی که هشت سال و پنج ماه از عمر شریفشان می‌گذشت، به مقام امامت نایل شدند و پس از سی و سه سال به شهادت رسیدند و در سامرا دفن شدند (صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه وانبائہ الطاهرين).

آغاز حکومت سلسله بوریون (1589 م)

در تاریخ بیست و پنجم مارس 1589 م و هم‌زمان با به قدرت رسیدن هانری چهارم، حکومت سلسله بوریون (1589 م) را

در کشور فرانسه آغاز شد. بوریون & rlm ها یکی از خاندان & rlm های مقتدر و نیرومند اروپایی بود که در برخی از کشورهای اروپا نظیر اسپانیا، فرانسه و... حکمرانی کردند. نام این خاندان از قلعه بوریون در فرانسه اخذ شده است. مؤسس این خاندان، روبر، پسر لویی چهارم بود. دو قرن پس از وی، این خاندان در نیمه قرن شانزدهم میلادی بار دیگر احیا شد و هانری چهارم به تخت پادشاهی نشست. هانری چهارم، خود، پروتستان مذهب بود، ولی برای سلطنت بر کشوری که اکثریت مردم آن کاتولیک بودند، مذهب کاتولیک را پذیرفت و در سال 1594م تاج گذاری کرد. با این حال، وی آزادی و امنیت پروتستان & rlm ها را نیز تامین کرد و نام نیکی در تاریخ فرانسه از خود بر جای گذاشت. دوران سلطنت برخی از سلاطین بوریون، بسیار طولانی بود به طوری که تنها نوه هانری چهارم با عنوان لویی چهاردهم و پس از وی، لویی پانزدهم، مجموعاً بیش از 130 سال از طول دوران دویست ساله حکومت بوریون & rlm ها را به خود اختصاص دادند. آخرین پادشاه این سلسله لویی شانزدهم بود که در جریان انقلاب فرانسه در 21 ژانویه سال 1793م، اعدام شد. با اعدام لویی شانزدهم، پادشاهی بوریون & rlm ها در فرانسه خاتمه یافت و جمهوری اول فرانسه شکل گرفت.